



پاسخ معمای سناریوی قتل پدر

سرگرد بعد از بررسی صحنه قتل مرد میانسال و اظهارات همسر و پسرش به دو دلیل رسید که با بررسی آن راز قتل را فاش کرد.

۱- زمان مرگ بر اساس گفته پزشک جنایی با زمانی که همسر و پسر مقتول درباره ترک خانه می گفتند، مغایرت داشت.

۲- وقتی فرد با جسد غرق در خون همسرش رو به رو شود به تنها چیزی که فکر نمی کند، شستن فرش های خونین است. شستن فرش ها نشان می داد، آنها می خواستند آثار جرم را از بین ببرند.

در مسابقه معمای پلیسی این هفته، ۱۸۴۷ نفر از مخاطبان تپش شرکت کردند که ۶۴۱ نفر پاسخ صحیح دادند. از میان مخاطبانی که پاسخ صحیح دادند **سارا بختیاری از تهران و حسن خلیلی از مشهد** به قید قرعه برنده شدند.

معمای یک جسد و سه قاتل

آغاز کرد. ابتدا سراغ دکتر رفت. او که در حال معاینه جسد بود، گفت: مقتول مردی ۵۷ ساله است که اصابت ضربه عمیق چاقو به قلبش باعث مرگ او شده است. سر و وضعش نشان می دهد، اعتیاد شدیدی به مواد مخدر دارد.

سرگرد حرف های دکتر را یادداشت کرد و به بررسی صحنه پرداخت. لگه کفشی در فاصله ای حدود یک متری افتاده بود و از آنجا تا محل جسد رد خون دیده می شد. هیچ مورد مشکوک دیگری در حیاط نبود که باعث شک کارآگاه شود. افسر کلانتری را صدا زد و از او نتیجه تحقیقاتش را خواست. مامور جوان به برگه ای که در دستش بود نگاه می کرد و گفت: مقتول مردی ۵۷ ساله به نام نصیر بود که اعتیاد شدیدی به مواد مخدر داشت. او هر وقت پول هایش تمام می شد به خانه می آمد و جنجال راه می انداخت تا از همسر و فرزندان پول بگیرد. همسایه ها هم این موضوع را تأیید کرده اند. امروز بعد از چند روز به خانه می آید که دوباره با آنها درگیری می شود و به قتل می رسد.

ضارب چه کسی است؟

مشکل همینجاست. همسر و دختر او به قتل اعتراف کرده و هر کدام مدعی هستند قاتل اوست و طرف مقابل دروغ اعتراف کرده است. ابتدا مادر خانواده را برای تحقیق بیاور و بعد از آن از دخترش بازجویی می کنم. دقیقاً بعد مامور کلانتری همراه زن میانسالی وارد اتاق شدند. مریم وقتی مقابل کارآگاه نشست، قبل از این که سرگرد سؤالی بپرسد گفت: من شوهرم را کشته ام. خیلی اذیت می کرد، خسته ام کرده بود. باید می مرد.

خب به طور کامل توضیح بدهید چه اتفاقی افتاد؟

امروز دوباره به خانه آمد و پول خواست. وقتی گفتم ندارم، شروع به داد و فریاد کرد. همیشه عادت داشت سرو صدا راه بیاندازد تا به او پول بدهیم اما این بار قضیه فرق می کرد. از پول خبری نبود. به آشپزخانه رفتم و چاقویی برداشتم. فکر کرد پول آورده ام. نزدیکش که شدم چاقو را در سینه اش فرو کردم. چند قدم از من دور شد و روی زمین افتاد. دخترم با دیدن این صحنه سریع با اورژانس تماس گرفت. وقتی ماموران آمدند برای این که به من کمک کند، به دروغ گفت قاتل پدرش است.

زری خودش را به تلفن رساند و در حالی که وحشت در چهره اش موج می زد، شماره اورژانس را گرفت. «سلام آقا، پدرم چاقو خورده و حالش بده. سریع خودتان را برسانید.»

اپراتور از آن سوی خط، آدرس را گرفت و سریع نزدیکترین آمبولانس را راهی محل کرد. امدادگران اورژانس بعد از ورود به حیاط خانه قدیمی با پیکر مرد میانسال در حالی که جوی خون در زیر تنش جاری شده بود، روبه رو شدند. سر مرد جوان به سمت ساختمان قرار داشت و با صورت روی زمین افتاده بود.

امدادگران بعد از بررسی وضعیت این مرد متوجه شدند، چند دقیقه ای از مرگ او گذشته و ضربه چاقو به قلبش هیچ امانی برای زنده ماندن به او نداده است. آنها که مطمئن بودند با یک ماجرای قتل روبه رو هستند در تماس با پلیس موضوع را گزارش دادند و دقایقی بعد با حضور افسر گشت کلانتری در محل، تحقیقات جنایی این پرونده آغاز شد. سرگرد میری تازه به خانه رسیده بود که از مرکز پیام تماس گرفتند و گزارش قتل را به او دادند. کارآگاه آدرس را یادداشت کرد و سریع راهی محل شد. جنایت در یکی از محله های جنوب تهران رخ داده بود و اهالی کنجکاو در مقابل در خانه تجمع کرده بودند. سرگرد جمعیت را شکافت و مقابل در خانه توقف کرد.

سربازی مقابل در ورودی خانه قدیمی ایستاده بود که سد راه سرگرد شد. کارآگاه کارتش را نشان داد و سرباز با احترام نظامی راه را برایش باز کرد. جسد در میان حیاط روی زمین افتاده بود. به غیر جسد افراد زیادی در حیاط دیده می شدند که حضورشان تمرکز او را برای تحقیق و بررسی صحنه به هم می ریخت. افسر کلانتری را صدا زد و دستور داد به غیر از تیم بررسی صحنه جرم و پزشکی جنایی بقیه افراد یا از خانه خارج شوند یا به داخل ساختمان بروند.

خیلی سریع حیاط خلوت شد و سرگرد با بیرون آوردن دفترچه یادداشت از جیبش، تحقیقات خود را برای رازگشایی از این جنایت

وحید شکری
تپش

شما خوانندگان عزیز برای ما بنویسید که سرگرد بعد از بررسی صحنه قتل و صحبت با همسر و ۲ فرزند مقتول چطور توانست راز قتل را فاش کند؟ اگر داستان را با دقت بخوانید متوجه می شوید. دو دلیل برای افشای راز این پرونده را همراه با نام و نام خانوادگی به شماره ۳۰۰۰۱۱۲۲۴ پیامک کنید. هر هفته به دو نفر از کسانی که پاسخ صحیح بدهند، به قید قرعه کارت هدیه ۵۰ هزار تومانی اهدا می شود

سند کمپانی و برگ سبز و کلیه اسناد سواری کار
تویوتا RAV4-2500 مدل ۲۰۱۷ رنگ سفیدصافی
متالیک، شماره موتور: 2ARF427448 شماره
شاسی: JTMDF4EVXHJ165491 شماره پلاک
۸۶۶۶۵ - ایران ۷۹ به نام کامییز غیاثوند
مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

مدرک موقت فارغ التحصیلی گبرآ حیدری
وکیل آباد فرزند حسین به شماره ملی ۲۵۸۰۴۴۳۲۵۸
رشته مامایی صادره از دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت
مفقود گردید و فاقد اعتبار است. از یاننده تقاضا می شود
اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت به
نشانی: رشت -پل طالبان ارسال نماید.

شناسنامه خودرو دنیا توربو بنزین، مدل
۱۳۹۹، به رنگ سفید، به شماره انتظامی
ایران ۶۷-۹۹۷۷۴۳ شماره موتور 153H0013513
شماره شاسی NAAW31YU3LE281095 به نام
صاحب جان دوستی اسفرجانی مفقود و فاقد
اعتبار می باشد.

برگ سبز خودرو پراید ال ایکسی مدل: ۱۳۷۷
به رنگ: دودی معمولی شماره انتظامی:
ایران ۱۳-۵۷۹۸۸ شماره موتور: 00078982
شماره شاسی: S1412277556054 به نام مهدی
عابدینی پژو مفقود و فاقد اعتبار می باشد.